

این چه تصمیمی بود؟!



● **پسر:** خیلی هم خوب «تصمیم‌گیری» رو یاد گرفتیم. الان می‌دونم که باید حساسی فکر کنم و عاقبت کارم رو ببینم و بعد تصمیم بگیرم. می‌دونم که اگر پولی پیدا کردم، باید تصمیم بگیرم به صاحبش برسونم. اینم می‌دونم که باید با دیگران مشورت کنم.

● **مادر:** خب، پس چرا امتحان رو خوب ندادی؟

● **پسر:** من جواب رو درست نوشتم، اون هم کلاسیم که برگه‌ام رو تصحیح کرده، بلد نبوده. به خانمم که اعتراض کردم، گفت باید مثل کتاب می‌نوشتی.

● **مادر:** عجب حرفی می‌زنی بچه! تو حتی اگر عین کتابم ننویسی، در صورتی که جوابت درست باشه، معلمت قبول می‌کنه.

● **پسر:** چی کار کنم دیگه؟ من که غلط ننوشتم!

● **مادر:** تو فقط دو تا سؤال داشتی. از همون دو تا هم یکی رو غلط نوشتی. بذار ببینیم چرا؟ راستش به نظر منم جوابت خیلی درسته!

● **پسر:** دیدی گفتم مامان خانم، خودتم بلد نیستی. من که گفتم معلوم نیست خانم چی می‌خواد!

● **مادر:** کتاب مطالعاتت رو ببار ببینم، درس تصمیم‌گیری صفحه‌ی چنده؟

● **پسر:** ایناهاش. صفحه‌ی ۲۰. مراحل تصمیم‌گیری: خوب فکر کنیم. نتیجه‌ی هر انتخاب را پیش‌بینی کنیم. بهترین راه را انتخاب کنیم.

● **مادر:** خب، جواب تو درسته، اما باید مثل کتاب می‌نوشتی. بگو ببینم، کلمه‌ی اولویت‌ها و علاقه‌ها رو از کجا آوردی پسر؟ اینکته تو کتابتون نیست!



● **پسر:** چرا مامان. یادمه تو کتاب خوندمش. حتی از معلممون پرسیدم اولویت یعنی چی؟ اما نمی‌دونم چرا اینو از معلم درس تفکر پرسیدم؟!

● **مادر:** معلومه تو مفهوم موضوع رو کاملاً فهمیدی، اما چون مثل کتاب نیست، دوست نفهمیده. اگر معلم برگه‌تون رو تصحیح کرده بود، این رو غلط نمی‌گرفت. حالا برای فردا چی داری؟

● **پسر:** فصل اول کتاب تفکر و پژوهش. آهان! فهمیدم اولویت رو کجا داشتیم. ببین، توی کتاب تفکر: برای تصمیم‌گیری باید اولویت‌ها رو در نظر بگیریم.





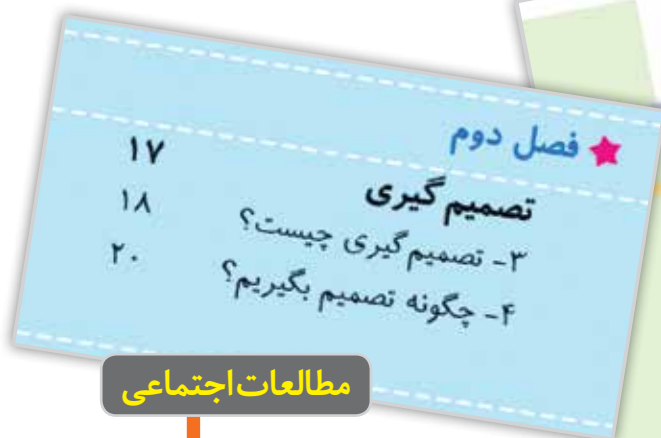
● **مادر:** درسته! تو حواست بود که موضوع این فصل کتاب تفکرتون تصمیم گیریه؟ درس‌های چهارم و پنجم کتاب مطالعاتتون هم تصمیم گیریه. تو طبق حرفای این کتاب به سؤال جواب دادی. حالا شد.

● **پسر:** چی شد؟! چی کار کنیم حالا؟ کدوم درسته؟ این کتاب یا اون یکی؟! سر امتحان کدوم رو بنویسیم؟
● **مادر:** اگر نتیجه‌ی برگه‌ی امتحان برات مهمه، باید حواست باشه که داری کدوم درس رو امتحان می‌دی. اونوقت نوشته‌های اون کتاب رو به عنوان جواب بنویسی.

● **پسر:** مامان، ببخشید! یعنی تو می‌گی حفظ کنیم؟! امکان نداره یادم بمونه کدوم به کدومه!



تفکر و پژوهش



مطالعات اجتماعی



کتاب تفکر را برداشتم و آن را با تأمل بیشتر ورق زدم. فصل اول کتاب تفکر به میحث «تصمیم‌گیری» اختصاص دارد که در درس‌های سوم و چهارم کتاب مطالعات نیز دقیقاً همین موضوع مطرح شده است.

بیشتر اینکه، در تمام فصل‌های کتاب علوم اجتماعی، موضوع «فرهنگ و هویت» از زیرموضوعات به شمار می‌رود، و در کتاب تفکر نیز یک فصل کامل (فصل ۴) به این موضوع (هویت و زندگی) پرداخته است. راستش متوجه نمی‌شوم چرا یک موضوع به دو شیوه‌ی بیان و در دو کتاب جداگانه در یک پایه گنجانده شده است؟

اینجاست که با معلم همدردی می‌کنم و می‌پرسم: آیا فقط معلم باید بحث تلفیق را رعایت کند و به عنوان هنر تدریس به کار گیرد، یا در تألیف کتاب هم این موضوع مطرح است؟ آیا اصلاً هر کدام از گروه نویسندگان دو کتاب «تفکر و پژوهش» و «مطالعات اجتماعی» از وجود کتاب دیگر و سر فصل‌های آن اطلاع داشته‌اند؟

در ۳۰ صفحه‌ی انتهای کتاب مطالعات کار برگ‌هایی است که معلمان پایه‌ی ششم به خاطر کمبود وقت از خیر انجام آن‌ها می‌گذرند. آیا حداقل نمی‌توان فصل‌ها و موضوعات مشترک این دو کتاب را یکجا جمع کرد تا هم دانش‌آموز به در دسر نیفتد و هم معلم فرصت بیشتری داشته باشد تا بتواند تمام محتوای هر کتاب را تدریس کند؟